

پژوهشنامه حج و زیارت

سال چهارم، شماره دوم

پاییز و زمستان ۱۳۹۸

صفحات ۴۴-۲۹

واکاوی فقهی تقدیم طواف حج، و سعی بر وقوفین

مهدی صاحبی فرد،^۱ احمد رضا خزائی^۲

چکیده

تحقیق پیش‌رو به بررسی حکم جواز تقدیم طواف حج و سعی بین صفا و مروه بر وقوف در سرزمین عرفات و مشعر می‌پردازد. تنوع در کلمات فقها نشان می‌دهد که درباره حکم تقدیم این مناسک، اختلاف هست. از دیدگاه مشهور فقها، تقدیم این مناسک در حال اختیار، برای عموم حجگزاران جایز نیست. آنان با استناد به برخی روایات صحیح، معتقد شده‌اند که فقط حجگزاران معذور همچون سالخورده‌گان، افراد مریض و معلول و بانوانی که از پیشامد قاعدگی ترسان‌اند، می‌توانند مناسک مورد گفت‌وگو را بر وقوفین مقدم سازند؛ اما در مقابل، برخی فقها اعتقادشان بر این امر سامان یافته که تقدیم طواف حج و سعی، برای عموم حجگزاران جایز و البته مکروه است و افضل این است که حجگزاران، چنانچه عذری ندارند، این مناسک را به تأخیر اندازند و در زمان خودش انجام دهند. نتایج این تحقیق، که به صورت کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری و با تحلیل ادله و روایات صورت گرفته، بیانگر این است که اسناد شرعی دال بر جواز تقدیم، با نظر مشهور فقها مساعد نیست و جواز تقدیم در حال اختیار، هر چند با کراهت همراه است، مطابق صواب به نظر می‌رسد.

کلید واژه‌ها: طواف حج، سعی، وقوفین، تقدیم مناسک، معذورین.

۱. دانشجوی دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

(mehdisahebfard1174@gmail.com)

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (نویسنده مسئول) (khzaei@gmail.com)

از اعمال و مناسک حج، طواف زیارت و سعی بین صفا و مروه پس از نماز طواف است. حجگزاران پس از وقوف در سرزمین عرفات و مشعر و کوچ به سمت منا در روز عید قربان، به انجام اعمال منا می‌پردازند و پس از آن، می‌توانند در شب یازدهم ذی‌حجه یا پس از بازگشت از منا برای انجام طواف حج و دیگر اعمال مکه، راهی مسجدالحرام شوند. در این بین، یعنی در زمان انجام طواف و پس از ادای مناسک منا، معمولاً حجاج با مشکل ازدحام روبه‌رو می‌شوند. همچنین ممکن است برای بانوان، مشکل قاعدگی پیش آید. از این رو، شارع مقدس با حکم به جواز تقدیم برخی مناسک حج بر وقوف در عرفات و مشعر، انجام مناسک را بر حجگزاران تسهیل کرده است. اما آنچه در این باره ضرورت دارد بررسی شود، این است که آیا تقدیم طواف حج و سعی بر وقوفین، برای همه حجگزاران جایز است و همه آنان می‌توانند در حال اختیار، طواف و سعی را بر وقوفین مقدم سازند یا جواز تقدیم، حکمی است که به معذورین اختصاص یافته و عموم حجگزاران نمی‌توانند از روی اختیار، طواف حج و سعی را زودتر از زمانش انجام دهند؟

۱. اقوال در مسئله

در این فرض، اقوال فقها را می‌توان در دو قولِ جواز تقدیم و عدم جواز خلاصه کرد.

یک- جواز تقدیم در حال اختیار

از فقهای متأخر، صاحب مدارک، جواز تقدیم طواف و سعی بر وقوفین در حال اختیار را با فرض نادیده گرفتن اجماع، نیکو شمرده و جواز تقدیم را بعید ندانسته است (موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۸، ص ۱۸۸). محقق عراقی نیز ضمن پذیرش جواز تقدیم، تأمل صاحب مدارک در قول مشهور را در نهایت متانت دانسته. کلام ایشان، در جواز تقدیم سعی در حال اختیار هم ظهور دارد (عراقی، ۱۴۱۴ق، ج ۳،

ص ۳۴۹). از فقیهان معاصر نیز محقق داماد، جواز تقدیم طواف و سعی در حال اختیار را پذیرفته و البته معتقد شده تأخیر در طواف و سعی، افضل است (محقق داماد، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۳۴۶).

دو- عدم جواز تقدیم در حال اختیار

مشهور فقها معتقدند تقدیم طواف واجب بر وقوفین و مناسک روز عید قربان، جایز نیست (برای نمونه، ر.ک: ابن حمزه، ص ۱۷۴؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۷۵؛ فاضل آبی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۷۸؛ محقق حلی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۹۵؛ یحیی بن سعید حلی، ۱۴۰۵ق، ص ۱۹۹؛ علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۲۰۷ و ج ۱۰، ص ۴۲۸؛ شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۳۲؛ شمس الدین حلی، ج ۱، ص ۲۵۹؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۷۰) و صاحب جواهر^{۱۱} و سیدمحسن حکیم، عدم جواز را اجماعی و قول تمام علما دانسته‌اند (صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق، ج ۱۹، ص ۳۹۱؛ حکیم، ۱۴۱۶ق، ص ۷۸).

بیشتر فقهای معاصر نیز ضمن پذیرش عدم جواز تقدیم اعمال مکه بر وقوفین در حال اختیار، چند دسته را از این حکم مستثنا کرده و تقدیم این اعمال را برای آنان جایز یا واجب دانسته‌اند (خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۴۵۲؛ شبیری زنجانی، ۱۴۲۱ق، ص ۲۹۴؛ مظاهری، ۱۳۹۷ش، ص ۴۵۰).

۲. ادله اقوال

مهم‌ترین دلیل در این باره، روایات وارد در خصوص مسئله تقدیم طواف و سعی بر وقوفین است. این روایات را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود:

یک- روایات دال بر جواز تقدیم به‌طور مطلق

این روایات عبارت‌اند از:

روایت اول: روایت صحیح زراره از امام باقر^ع و روایت صحیح جمیل از امام صادق^ع: این دو راوی، از حکم متمتعی پرسیدند که در حج، طواف و سعی اش

را مقدم می‌کند. فرمودند: «این دو مساوی‌اند مقدم شوند یا مؤخر» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۸۷).^۱

روایت دوم: روایت صحیح عبدالرحمن بن حجاج از امام کاظم علیه السلام: از حضرت درباره مردی پرسیدم که تمتع انجام می‌دهد، سپس برای حج مُحَرَّم می‌شود و پس از آن، طواف و سعی را پیش از رفتن به منا انجام می‌دهد. فرمودند: «اشکالی ندارد» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۲۸۰).^۲

سوم: روایت صحیح علی بن یقطين از امام صادق علیه السلام: از حضرت درباره مردی پرسیدم که تمتع انجام می‌دهد، سپس برای حج مُحَرَّم می‌شود و پس از آن، طواف و سعی را پیش از رفتن به منا انجام می‌دهد. فرمودند: «اشکالی در این کار نیست» (همان، ۱۴۰۹ق، ص ۲۸۱).^۳

دو-روایات دال بر منع تقدیم

این روایات عبارت‌اند از:

روایت اول: روایت موثق ابی بصیر از امام صادق علیه السلام: به حضرت عرض کردم: «مردی حج تمتع انجام داده و مُحَرَّم به احرام حج شده است». فرمودند: «طواف را انجام ندهد تا به عرفات برود. پس اگر قبل از اینکه به منا برود، بدون دلیل طواف را انجام دهد، به آن طواف اعتنا نکند» (همانجا).^۴

۱. وَ رَوَى ابْنُ بَكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام وَ رَوَى جَمِيلٌ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهَا سَأَلَاهُمَا عَنِ الْمُتَمَتِّعِ بَقَدَمِ طَوَافِهِ وَ سَعْيِهِ فِي الْحَجِّ، فَقَالَا: «هُمَا سَيِّئَانِ قَدَمْتِ أَوْ أَخْرَتِ».

۲. وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ علیه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَتَمَتَّعُ ثُمَّ يُهَلُّ بِالْحَجِّ فَيَطُوفُ بِالْبَيْتِ - وَ يَسْعَى بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ - قَبْلَ خُرُوجِهِ إِلَى مِنَى، فَقَالَ: «لَا بَأْسَ».

۳. وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَقِطِينَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنِ الرَّجُلِ الْمُتَمَتِّعِ يُهَلُّ بِالْحَجِّ ثُمَّ يَطُوفُ وَ يَسْعَى بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ - قَبْلَ خُرُوجِهِ إِلَى مِنَى قَالَ: «لَا بَأْسَ بِهِ».

۴. وَ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ: رَجُلٌ كَانَ مُتَمَتِّعاً وَ أَهْلًا بِالْحَجِّ قَالَ: «لَا يَطُوفُ بِالْبَيْتِ حَتَّى يَأْتِيَ عَرَفَاتَ - فَإِنْ هُوَ طَافَ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَ مِنَى مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ فَلَا يَعْتَدُ بِذَلِكَ الطَّوَافِ».

روایت دوم: روایات دال بر عدم جواز تقدیم طواف بر اعمال منا مانند روایت صحیح محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام: از حضرت درباره مردی پرسیدم که طواف را قبل از حلق انجام داده است. فرمودند: «اگر طواف را قبل از حلق انجام داده است، درحالی که می دانسته این کار، شایسته نیست، بر عهده اش قربانی کردن گوسفندی است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۰۵).^۱

سه- روایاتی که فقط معذورین را در تقدیم، مجاز می داند

این روایات عبارت اند از:

روایت اول: در صحیح حلبی از امام صادق علیه السلام چنین وارد شده است: «اشکالی نیست در تعجیل طواف قبل از رفتن به منا برای پیرمرد، و [همچنین] زنی که از پیشامد قاعدگی ترسان است» (همان، ۱۴۰۷ق، ص ۴۵۸).^۲

روایت دوم: در صحیح اسماعیل بن عبدالخالق نیز از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده است: «اشکالی نیست در تعجیل پیرمرد و مریض و زن و معلول برای انجام طواف حج، قبل از رفتن به منا» (همانجا).^۳

روایت سوم: روایت موثق اسحاق بن عمار از امام رضا علیه السلام: از حضرت درباره متمتعی پرسیدم که پیرمرد یا زنی است که از پیشامد قاعدگی ترسان است. آیا می تواند قبل از رفتن به منا زودتر طواف حج را انجام دهد؟ فرمودند: «بله، هرکس این چنین است، می تواند زودتر انجام دهد». پرسیدم از فردی که در مکه به احرام حج محرم می شود، سپس خانه کعبه را خالی می بیند؛ پس قبل از رفتن به منا طواف

۱. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سَهْلٍ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخُرَازِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي رَجُلٍ زَارَ الْبَيْتَ قَبْلَ أَنْ يَحْلِقَ، فَقَالَ: «إِنْ كَانَ زَارَ الْبَيْتَ قَبْلَ أَنْ يَحْلِقَ وَهُوَ عَالِمٌ أَنَّ ذَلِكَ لَا يَنْبَغِي لَهُ فَإِنَّ عَلَيْهِ دَمَ شَاةٍ».

۲. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَحْرِيِّ وَمُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ وَخَمَادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ جَمِيعاً عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «لَا بَأْسَ بِتَعْجِيلِ الطَّوَافِ لِلشَّيْخِ الْكَبِيرِ وَ الْمَرْأَةِ تَخَافُ الْحَيْضَ قَبْلَ أَنْ تَخْرُجَ إِلَى مَنَى».

۳. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ ثُوَيْسٍ عَنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ خَالِقٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: «لَا بَأْسَ أَنْ يُعَجَّلَ الشَّيْخُ الْكَبِيرُ وَ الْمَرِيضُ وَ الْمَرْأَةُ وَ الْمُغْلُولُ طَوَافَ الْحَجِّ قَبْلَ أَنْ يَخْرُجَ إِلَى مَنَى».

را انجام می‌دهد. [در این صورت] آیا کفاره‌ای بر عهده‌اش می‌آید؟ فرمودند: «نه» (همان، ۱۴۰۷ق، ص ۴۵۷).^۱

برخی فقهای معاصر، معتقد شده‌اند از چند دسته دیگر از روایات نیز می‌توان حکم عدم جواز تقدیم طواف واجب بر وقوفین را استفاده کرد: یک- روایات مبین کیفیت حج که زمان انجام طواف حج را پس از وقوفین و اعمال منا بیان می‌کند؛

دو- روایات دال بر جواز کوچ به مشعر قبل از طلوع فجر، برای معذورین؛ سه- روایاتی که زمان انجام طواف حج را روز عید قربان یا روز پس از آن یا تا انتهای ایام تشریق یا در طول ذی‌حجه می‌داند؛ چهار- روایاتی که بر عدم جواز تقدیم طواف بر اعمال منا دلالت دارند (سبحانی، ۱۴۲۷ق، ج ۵، ص ۲۸۹).

همچنین اعتقاد ایشان، بر این امر سامان یافته است که به دلیل اعراض فقها از روایات صحیح‌السندی که بر جواز تقدیم دلالت دارند، چاره‌ای جز دست کشیدن از این روایات نیست و باید علم این روایات را به صاحب آن واگذار کرد (همان، ۱۴۲۷ق، ص ۲۹۲).

۳. نقد و بررسی و بیان رأی مختار

برای نقد این دیدگاه‌ها و بیان رأی مختار، نخست باید حکم تقدیم طواف و سپس تقدیم سعی بر فرض جواز تقدیم طواف بررسی شود. چنان‌که گذشت، مشهور فقها تقدیم طواف بر وقوفین در حال اختیار را جایز ندانسته و روایات

۱. أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجُبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْمَتَمِّعِ إِذَا كَانَ شَيْخًا كَبِيرًا أَوْ امْرَأَةً تَخَافُ الْحَيْضَ تُعَجِّلُ طَوَافَ الْحَجِّ قَبْلَ أَنْ تَأْتِيَ مِنْهُ؟ فَقَالَ: «نَعَمْ مَنْ كَانَ هَكَذَا يُعَجِّلُ» قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُحْرِمُ بِالْحَجِّ مِنْ مَكَّةَ ثُمَّ بَرَى الْبَيْتَ خَالِيًا فَيَطُوفُ بِهِ قَبْلَ أَنْ يُخْرَجَ عَلَيْهِ شَيْءٌ؟ فَقَالَ: «لَا».

جواز را بر حال ضرورت حمل کرده یا از آنها اعراض نموده‌اند؛ اما برخی متأخرین و معاصرین، در حکم مشهور تأمل کردند و معتقدند روایات جواز را نمی‌توان بر معذور حمل کرد؛ زیرا معذور، ناچار است زودتر اعمالش را انجام دهد و مساوی بودن تقدیم و تأخیر، که در برخی روایات دال بر جواز تقدیم آمده، درباره معذور بی‌معناست. از این رو، معتقد شده‌اند مقتضای جمع عرفی بین روایات منع و جواز، حمل روایات مانعه بر کراهت عبادی است (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۳۴۲).

اما محقق خویی به این استدلال اشکال می‌کند و می‌فرماید:

برخی، اخبار مانعه را بر کراهت حمل کرده‌اند تا بین نهی و تجویز، جمع عرفی صورت داده باشند و استدلالشان این است که روایات مانعه، ظهور در حرمت دارند؛ اما روایات مجوزه در جواز، صراحت دارند و مقتضای جمع عرفی، دست کشیدن از ظهور نهی در حرمت، و حمل آن بر کراهت است. اما صحت این استدلال نیز بعید است؛ زیرا مفهوم کلام امام علیه السلام: «اشکالی ندارد پیرمرد در انجام طواف تعجیل کند»، ثبوت اشکال برای دیگران است و در روایات مجوزه، تقدیم، بدون اشکال دانسته شده و جمع بین «بدون اشکال است» و «اشکال دارد»، جمع بین متناقضین است؛ به طوری که اگر این دو در یک کلام جمع شوند، کلامی است که در آن، متناقضین جمع شده است. بنابراین، صحیح این است که بگوییم بین دو دسته روایات، تعارض محقق شده و به ناچار، باید تعارض را علاج کرد و یکی را بر دیگری مقدم نمود؛ از این رو لازم است اخبار مانعه مقدم گردد (همانجا).

با وجود این، به نظر می‌رسد بتوان به گونه‌ای دیگر بین سه دسته روایات را جمع کرد؛ به این صورت که گفته شود روایت ابوبصیر، ناظر بر گفت‌وگو نیست؛ زیرا ظهور دارد در اینکه سؤال راوی، از چگونگی انجام دادن اعمال حج است و نه از تقدیم طواف بر وقوفین و امام علیه السلام نیز راوی را از انجام دادن طواف پیش از اعمال منا نهی کرده‌اند. فقیهان شیعه نیز عموماً انجام دادن عمدی طواف حج پیش از اعمال

منا را باطل دانسته و به تکرار در زمان خودش حکم داده‌اند. روایات مبین کیفیت حج نیز در مقام بیان حکم تقدیم نیستند. بنابراین، دو دسته روایت باقی می‌ماند که یکی به طور مطلق، و دیگری در موارد خاص، تقدیم را جایز دانسته است. در این صورت، مفهوم روایات دسته دوم با منطوق روایات دسته اول، که به طور مطلق بر جواز تقدیم دلالت دارند، در تنافی است؛ با این توضیح که نفی بآس درباره موارد خاص، به معنای نفی حکم تکلیفی (کراهت) و وضعی (کفاره) در خصوص این موارد است و این روایات با مفهوم خود، بر ثبوت بآس به طور مطلق در غیر موارد خاص دلالت دارند. روایات مجوز نیز با منطوق خود، بآس را به طور مطلق درباره عموم حجگزاران (چه موارد خاص و معذورین و چه دیگر حجگزاران) منتفی دانسته‌اند.

در این صورت، در جمع بین این دو دسته از روایات، می‌گوییم که به قرینه روایت اسحاق بن عمار، می‌توان اطلاق روایات دسته دوم را مقید کرد و نفی بآس را به حکم وضعی مختص دانست؛ زیرا سؤال راوی در ذیل روایت و جواب امام علیه السلام، در بیان حکم وضعی ظهور دارد و امام علیه السلام در فرض تقدیم طواف فرد غیر معذور، کفاره را منتفی دانسته‌اند و اینکه راوی فقط از حکم وضعی یعنی کفاره پرسیده، حاکی از این است که حزانت تقدیم نزد راوی، مسلم بوده؛ و الا در این مورد نیز از حکم تکلیفی جواز و عدم جواز تقدیم می‌پرسید.

از سوی دیگر، حرف نفی در کلام امام علیه السلام نیز به مقتضای مطابقت جواب با سؤال، فقط بر نفی کفاره دلالت دارد؛ زیرا اگر بخواهد بر نفی تکلیف (کراهت) نیز دلالت کند، علاوه بر مبتلا بودن به محذور مطابقت نداشتن با سؤال راوی، دچار این مشکل است که حضرت در موارد خاص در فراز قبل، تقدیم طواف را به طور مطلق جایز دانسته‌اند و اگر در این مورد نیز مطلب چنین باشد، حکم این مورد با موارد قبل، تفاوتی نخواهد داشت و در این صورت، تخصیص موارد خاص به نفی

کراهت و کفاره، بی‌وجه خواهد بود. در نتیجه، می‌توان با ذیل این روایت، اطلاق روایات مجوز در نفی ب‌أس به طور مطلق را به نفی ب‌أس درباره حکم وضعی مقید کرد و با این تقیید، تعارض بین دو دسته روایات (مجوز تقدیم طواف به طور مطلق و مجوز تقدیم در موارد خاص) را از بین برد و چنین حکم کرد که عدم ب‌أس در تقدیم طواف در موارد خاص و در فرض عذر، به معنای عدم کراهت و عدم کفاره است، ولی در غیر این موارد، فقط به معنای عدم کفاره است؛ اما همچنان تقدیم طواف، دارای ب‌أس و کراهت عبادی است.

همچنین ممکن است گفته شود اکتفای امام علیه السلام به نفی کفاره در پاسخ به راوی، در ذیل روایت اسحاق بن عمار نیز می‌تواند بر کراهت تقدیم طواف دلالت کند؛ زیرا اگر تقدیم طواف در غیر موارد خاص ذکر شده در فراز قبل، مورد نهی و حرام بود، موجب فساد و بطلان طواف می‌شد؛ از این رو بر امام علیه السلام لازم بود پس از نفی کفاره، به اعاده طواف در فرض تقدیم آن نیز حکم کنند و عدم حکم به اعاده، دال بر صحت و عدم حرمت آن در فرض تقدیم است.

اما به نظر می‌رسد این سخن پذیرفتنی نیست؛ زیرا اگر امام علیه السلام به اعاده طواف حکم نکرده‌اند، از آن‌روست که نهی از وصف غیر ملازم با عبادت، موجب فساد عبادت نیست و در اینجا از تقدیم طواف نهی شده است نه خود طواف؛ پس نهی از تقدیم، موجب حرمت و فساد طواف نیست تا حکم به اعاده آن لازم باشد؛ اما همچنان تقدیم طواف مورد نهی است. بنابراین، از عدم حکم به اعاده طواف، عدم حرمت تقدیم طواف فهمیده نمی‌شود؛ بلکه از آن‌رو که امام علیه السلام به استغفار امر نکرده‌اند، معلوم می‌شود کسی که طواف را از روی عمد مقدم می‌کند، مرتکب حرام نشده و نهی درباره آن، نهی کراهتی است.

بنابراین، به نظر می‌رسد در فرض مورد گفت‌وگو، حق به جانب فقیهانی است که تقدیم طواف بر وقوفین در حالت اختیار را جایز، و در عین حال دارای کراهت

عبادی دانسته‌اند.

با روشن شدن حکم تقدیم طواف در حال اختیار، حکم تقدیم طواف در موارد خاص نیز روشن می‌گردد و معلوم می‌شود که در این موارد هم، نه فقط تقدیم طواف کفاره ندارد؛ بلکه به کراهت نیز محکوم نیست.

امام خمینی علیه السلام موارد خاص و کسانی که می‌توانند طواف حج - و دیگر اعمال مکه- را بر وقوفین مقدم کنند، به قرار ذیل برشمرده است:

۱. زنان در صورت ترس از پیشامد قاعدگی یا نفاس بعد از رجوع از منا و ممکن نبودن صبر تا زمان حصول طهر؛

۲. زنان و مردانی که بعد از بازگشت از منا، به دلیل ازدحام جمعیت، عاجز از طواف هستند یا نمی‌توانند به مکه بازگردند؛

۳. افراد مریضِ عاجز از طواف بعد از رجوع از منا به دلیل ازدحام جمعیت؛

۴. کسی که می‌داند نمی‌تواند اعمال مکه را بعد از انجام اعمال منا تا آخر ماه ذی‌حجه انجام دهد (خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۵۲).

البته طوایفی که در روایات ذکر شده‌اند، عبارت‌اند از: زنانی که می‌ترسند هنگام بازگشت از منا دچار قاعدگی شوند، مردان سالخورده، مریض، معلول و زنان. در این صورت، مطابق نظر مشهور فقها، آیا زنان به طور مطلق می‌توانند طواف واجب حج را بر وقوفین مقدم کنند یا فقط در صورت عروض عذر یعنی پیشامد قاعدگی مجاز به تقدیم طواف هستند؟

برخی مراجع معاصر تصریح کرده‌اند (سبحانی، ۱۴۲۷ق، ج ۵، ص ۲۹۵) که مقصود روایت، زنان معذور است؛ زیرا در روایت، زنان در ردیف صاحبان عذر قرار گرفته‌اند و روایات دیگر مانند موثقه اسحاق بن عمار از امام کاظم علیه السلام نیز قرینه بر این مطلب به شمار می‌رود؛ زیرا در این روایت چنین آمده که حضرت در پاسخ به سؤال راوی درباره پیرمرد یا زنی که از پیشامد قاعدگی ترسان است و در حج

تمتع قبل از رفتن به منا طواف حج را انجام می‌دهد، فرمودند: «کسی که چنین باشد، می‌تواند در انجام طواف حج تعجیل کند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۴۵۷).^۱

ممکن است گفته شود «المرأة» در یک روایت، به طور مطلق، و در روایت دیگر مشروط به «تخاف الحيض»، مجاز به تقدیم طواف حج شده و در دانش اصول فقه گفته شده است وقتی مطلق و مقید، هر دو در نفی و اثبات یکسان باشند، چنانچه اطلاق، مانند مورد گفت‌وگو، شمولی باشد، بین این دو تنافی وجود ندارد تا حمل مطلق بر مقید صورت گیرد (مظفر، بی تا، ج ۱، ص ۱۹۲)؛ از این رو هر دو عنوان «زن» و «زنی که از پیشامد عادت ترسان است»، جزء معذورین اند و می‌توانند طواف حج را مقدم کنند.

در پاسخ می‌توان گفت این سخن، در صورتی تمام است که قرینه‌ای برخلاف آن نباشد؛ درحالی که روایت اخیر می‌تواند مفسر اطلاق باشد؛ زیرا اگر عنوان «زن» به تنهایی برای جواز تقدیم طواف حج کافی باشد، اضافه شدن «خوف حیض» به عنوان «زن» در برخی روایات در کلام راوی، لغو است و بر امام علیه السلام لازم است تأثیر نداشتن این قید در حکم را تذکر دهند و تقریر امام علیه السلام، بر دخالت این قید در حکم دلالت دارد. بنابراین، به نظر می‌رسد قول حق این است که جواز، به زنان صاحب عذر اختصاص دارد.

نکته دیگر در این باره این است که در روایات، فقط پیرمرد استثنا شده، اما از آنجاکه علت استثنا، سالخوردگی و عجز و حرج چنین افرادی از ادای مناسک در وقت خود است، می‌توان گفت به همین ملاک، زنان سالخورده نیز می‌توانند طواف واجب حج را بر وقوفین مقدم سازند (سبحانی، ۱۴۲۷ق، ج ۵، ص ۲۹۵).

در باره حکم تقدیم سعی نیز می‌توان چنین گفت که روایات دال بر جواز تقدیم

۱. «مؤثقة إسحاق بن عمار قال: سألت أبا الحسن عليه السلام عن المتمتع إذا كان شيخاً كبيراً أو امرأة تخاف الحيض تُعجل طواف الحج قبل أن يأتي إلى منا؟ قال: «نعم من كان هكذا يعجل».

به طور مطلق با روایات دال بر جواز تقدیم طواف در فرض عذر، تعارض دارد و چنان‌که بیان شد، مشهور فقها به این دسته از روایات عمل نکرده و از آن اعراض نموده‌اند و از آنجا که، جز این روایات دلیلی بر حکم تقدیم سعی بر وقوفین وجود ندارد، باید گفت که مطابق نظر مشهور، تقدیم سعی بر وقوفین نیز در حال اختیار جایز نیست. البته طبق قول مختار، می‌توان بر جواز تقدیم سعی پای فشرد؛ زیرا تعارض روایات، فقط درباره طواف است و در دلالت بر جواز تقدیم سعی، مطلقاً یا در فرض ضرورت، معارضی ندارند و می‌توان به این مضمون عمل کرد. آری، ممکن است گفته شود این روایات با روایات مبین کیفیت حج، که زمان انجام طواف و سعی حج را بعد از وقوفین و اعمال منا بیان می‌کنند، تعارض دارد و از این رو، از حیث مخالفت با سنت، ممکن است این دسته از روایات کنار گذاشته شوند. برخی مراجع معاصر در این باره چنین نگاه داشته‌اند:

در صورتی که مستند تقدیم سعی بر وقوفین روایات خاص باشد، باید گفت جواز تقدیم، مختص طواف است؛ زیرا در این روایات، سعی ذکر نشده است و از آنجا که اخبار مطلقه که مجوز تقدیم سعی بر وقوفین است، به دلیل مخالفت با سنت کنار گذاشته می‌شوند، لازم است بر جواز تقدیم طواف اکتفا نماییم (همان، ۱۴۲۷ق، ص ۲۹۸).

اما موافقت با این سخن، مشکل است؛ زیرا کنار گذاشتن روایات مطلقه که مجوز تقدیم سعی بر وقوفین است، به دلیل مخالفت با سنت، فرع معلومیت سنت است؛ به عبارت دیگر باید به طور قطع معلوم شود شارع، تقدیم سعی بر وقوفین را به هیچ وجه جایز نمی‌داند تا در تعارض بین روایات مجوز تقدیم سعی با روایات مبین سنت و کیفیت حج، این روایات کنار گذاشته شوند؛ درحالی‌که روایات مبین کیفیت حج، صرفاً در مقام بیان چگونگی انجام شدن اعمال حج با قطع نظر از موارد جواز و عدم جواز تقدیم برخی اعمال بر برخی دیگر هستند. بنابراین، با این روایات نمی‌توان اثبات کرد روایات مطلقه که بر جواز تقدیم سعی دلالت دارند، مخالف

سنت‌اند؛ بلکه حتی نمی‌توان این دو دسته روایات را با هم در تعارض دانست؛ به ویژه مطابق قول مختار که بیان شد، روایات مطلق، در صدد نفی کفاره‌اند.

افزون بر اینکه مطابق نظر مشهور، که روایات مطلق را بر ضرورت حمل کرده‌اند، می‌توان گفت ادله‌ای که سنت در حج را تبیین می‌کنند، در مقام بیان چگونگی ادای مناسک حج در حال اختیار، و روایات مطلق، متضمن بیان جواز تقدیم سعی در هر دو حالت اختیار و ضرورت است؛ از این رو منافات ندارد با استناد به این روایات صحیح، قائل به جواز تقدیم سعی در حال ضرورت شویم؛ به عبارت دیگر به دلیل تعارض روایات مبین سنت با دلالت این روایات بر جواز تقدیم سعی در حال اختیار، جواز تقدیم سعی در حال اختیار را منتفی بدانیم.

ممکن است گفته شود در این شیوه، به بخشی از روایت عمل شده و از مفاد روایت درباره بخشی دیگر اعراض شده است؛ در حالی که یک روایت را یا به تمامه باید پذیرفت یا به طور کلی کنار گذاشت. در پاسخ می‌گوییم تبعیض در پذیرش دلالت روایات، به وفور در کلمات و سیره علما یافت می‌شود؛ از این رو می‌توان به استناد این سیره، طبق نظر مشهور، دلالت این روایات را بر جواز تقدیم سعی در حال ضرورت پذیرفت.

اما مطابق قول مختار، نمی‌توان روایات مطلق را بر حال ضرورت حمل کرد و چنان‌که بیان شد، اطلاق این روایات از حیث حکم تکلیفی و وضعی است و از آنجا که این روایات، درباره تقدیم سعی معارضی ندارند، می‌توان کفاره و کراهت را منتفی دانست و به جواز تقدیم سعی بر وقوفین، بدون کراهت و کفاره حکم کرد.

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که بیان شد، درباره حکم تقدیم طواف حج بر وقوفین، مشهور فقها قائل به عدم جواز تقدیم در حال اختیار شده و در رفع تعارض بین روایات، به دلیل اعراض مشهور، روایات جواز را کنار نهاده‌اند. اما به نظر می‌رسد بتوان بین سه

دسته روایات، به گونه‌ای دیگر جمع کرد؛ به این صورت که روایت ابوبصیر را از این حیث که سؤال راوی در آن، درباره انجام شدن اعمال حج است، کنار گذاشت و ناظر بر گفت‌وگو ندانست. روایات مبین کیفیت حج نیز در مقام بیان حکم تقدیم نیستند. از بین دو دسته روایت باقی مانده، مفهوم روایات دسته دوم با منطوق روایات دسته اول که به طور مطلق بر جواز تقدیم دلالت دارد، در تنافی است و برای رفع تنافی و در جمع بین این دو دسته از روایات، می‌توان به قرینه روایت اسحاق بن عمار، اطلاق روایات دسته دوم را مقید کرد و نفی بآس را به حکم وضعی مختص دانست و چنین حکم کرد که تقدیم طواف در موارد خاص و در فرض عذر، نه کراهت دارد و نه مستلزم کفاره است؛ اما در غیر این موارد، فقط کفاره ندارد؛ اما همچنان دارای کراهت عبادی است.

همچنین مطابق نظر مشهور، تقدیم سعی نیز بر وقوفین در حال اختیار، جایز نیست و جواز تقدیم، به حال ضرورت اختصاص دارد؛ اما مطابق قول مختار، نمی‌توان روایات مطلق را بر حال ضرورت حمل کرد و چنان‌که بیان شد، اطلاق این روایات از حیث حکم تکلیفی و وضعی است و از آنجا که این روایات، درباره تقدیم سعی معارضی ندارند، می‌توان کفاره و کراهت را منتفی دانست و به جواز تقدیم سعی بر وقوفین، بدون کراهت و کفاره حکم کرد.

منابع

۱. آبی، حسن بن ابیطالب (۱۴۱۷ق)، کشف الرموز فی شرح مختصر النافع، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم.
۲. ابن ادریس حلی، محمد بن احمد (۱۴۱۰ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۳. ابن حمزه، محمد بن علی (۱۴۰۸ق)، الوسيلة إلى نيل الفضيلة، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، چاپ اول.
۴. ابن سعید حلی، یحیی بن احمد (۱۴۰۵ق)، الجامع للشرائع، قم، مؤسسة سیدالشهداء العلمية، چاپ اول.
۵. انصاری، محمد بن شجاع (۱۴۲۴ق)، معالم الدين في فقه آل ياسين، قم، مؤسسه امام صادق (علیه السلام)، چاپ اول.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشیعة الى تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، چاپ اول.
۷. حکیم، سید محسن (۱۴۱۶ق)، دلیل الناسک، نجف، مدرسه دار الحکمه، چاپ سوم.
۸. خمینی، سیدروح الله (بی تا)، تحریر الوسيلة، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم، چاپ اول.
۹. خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۰ق)، المعتمد فی شرح المناسک، قم، منشورات مدرسه دار العلم، چاپ اول.
۱۰. سبحانی، جعفر (۱۴۲۷ق)، الحج فی الشریعة الاسلامیة الغراء، قم، مؤسسه امام صادق (علیه السلام)، چاپ اول.
۱۱. شبیری زنجانی، سیدموسی (۱۴۲۱ق)، مناسک الحج، قم، مؤسسه الولاة للدراسات، چاپ اول.
۱۲. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۷ق)، الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۱۳. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۱۴. صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم.
۱۵. عراقی، آفاضیاءالدين (۱۴۱۴ق)، شرح تبصرة المتعلمین، قم، دفتر انتشارات

اسلامی، چاپ اول.

۱۶. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۲ق)،

متنهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد،
مجمع البحوث الإسلامية، چاپ اول.

۱۷. _____ (۱۴۱۳ق)، مختلف

الشیعة، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به
جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.

۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، کافی،

تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم.

۱۹. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)،

شرايع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام،
قم، مؤسسه اسماعیلیان.

۲۰. _____ (۱۴۱۸ق)، المختصر النافع

فی فقه الامامية، قم، مؤسسة المطبوعات
الدينية، چاپ ششم.

۲۱. محقق داماد، سیدمحمد (۱۴۰۱ق)، کتاب

الحج، قم، چاپخانه مهر، چاپ اول.

۲۲. مظاهری، منصور (۱۳۹۷ش)، مناسک حج،

تهران، نشر مشعر.

۲۳. مظفر، محمدرضا (بی تا)، اصول الفقه، قم،

انتشارات اسماعیلیان.

۲۴. موسوی عاملی، محمد بن علی (۱۴۱۱ق)،

مدارك الاحکام فی شرح شرايع الاسلام،
بیروت، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.